



طراحی و اعتبارسنجی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد

زبان عربی در دوره متوسطه

مبینا محرم نژاد^۱، نرگس فتح اله نژاد^۲

mobinmhrmnjad@gmail.com

narifat1383@gmail.com



MDOI-02-2026.0026
MNR-27-2-42DDB3



چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه انجام شد. روش پژوهش از نوع آمیخته (کیفی-کمی) و با رویکرد اکتشافی متوالی بود. در بخش کیفی، به منظور شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در تدریس خلاق قواعد عربی، دیدگاه‌های متخصصان برنامه‌ریزی درسی، آموزش زبان عربی و معلمان با تجربه مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. بر اساس نتایج این مرحله، الگوی پیشنهادی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال طراحی گردید که شامل مؤلفه‌هایی مانند درگیرسازی فعال دانش‌آموزان، مسئله‌محوری، تعامل و همکاری، بهره‌گیری از فعالیت‌های خلاقانه، بازخورد مستمر و ارزشیابی تکوینی بود. در بخش کمی، به منظور اعتبارسنجی الگو، پرسشنامه‌ای مبتنی بر مؤلفه‌های استخراج‌شده تهیه و در میان جمعی از خبرگان و معلمان زبان عربی توزیع شد. روایی ابزار با استفاده از نظر خبرگان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد الگوی طراحی‌شده از اعتبار مطلوبی برخوردار است و می‌تواند به عنوان چارچوبی کارآمد برای بهبود کیفیت تدریس قواعد زبان عربی در دوره متوسطه مورد استفاده قرار گیرد. به‌کارگیری این الگو با افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان، تقویت درک مفهومی قواعد و ارتقای انگیزش یادگیری همراه است. بر این اساس، استفاده از رویکردهای فعال و خلاق در آموزش قواعد عربی می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحول در شیوه‌های سنتی تدریس این درس در مدارس باشد.

واژگان کلیدی

تدریس خلاق، یادگیری فعال، آموزش قواعد زبان عربی، دوره متوسطه، طراحی الگوی تدریس، اعتبارسنجی الگو، مشارکت فعال دانش‌آموزان.

کارشناسی آموزش زبان عربی (دانشگاه فرهنگیان)^۱

کارشناسی آموزش زبان عربی (دانشگاه فرهنگیان)^۲



مقدمه

نظام‌های آموزشی در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری بر پرورش توانایی‌های تفکر، خلاقیت و یادگیری عمیق در دانش‌آموزان تأکید دارند. در چنین رویکردی، فرایند آموزش دیگر صرفاً انتقال دانش از معلم به دانش‌آموز تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان فرایندی پویا، تعاملی و مشارکتی در نظر گرفته می‌شود که در آن یادگیرندگان نقش فعال در ساخت دانش ایفا می‌کنند. در این میان، انتخاب و به کارگیری روش‌های تدریس مناسب از عوامل اساسی در تحقق اهداف آموزشی به شمار می‌آید؛ زیرا شیوه تدریس می‌تواند به طور مستقیم بر میزان درگیری ذهنی دانش‌آموزان، عمق یادگیری و پایداری آموخته‌ها تأثیر بگذارد.

یکی از دروس مهم در برنامه درسی دوره متوسطه، زبان عربی است که علاوه بر جایگاه آن در فهم متون دینی و فرهنگی، نقش مهمی در تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی دانش‌آموزان دارد. بخش قابل توجهی از آموزش این درس به یادگیری قواعد زبانی اختصاص دارد؛ قواعدی که درک صحیح آن‌ها می‌تواند به فهم دقیق‌تر متون عربی و کاربرد مناسب ساختارهای زبانی کمک کند. با این حال، آموزش قواعد زبان عربی در بسیاری از کلاس‌های درس همچنان بر شیوه‌های سنتی، حافظه‌محور و معلم‌محور استوار است. در چنین شرایطی، دانش‌آموزان غالباً به حفظ فرمول‌ها و قواعد می‌پردازند، بدون آنکه فرصت کافی برای درک مفهومی، کاربرد عملی و تجربه فعالانه یادگیری داشته باشند. این وضعیت در بسیاری از موارد باعث کاهش انگیزه یادگیری، احساس دشواری نسبت به درس عربی و شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به آن می‌شود.

در سال‌های اخیر، صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت بر ضرورت استفاده از رویکردهای نوین آموزشی برای بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری تأکید کرده‌اند. یکی از این رویکردها، **یادگیری فعال** است که بر مشارکت مستقیم و مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری تأکید دارد. در این رویکرد، دانش‌آموزان تنها دریافت‌کننده اطلاعات نیستند، بلکه از طریق فعالیت‌هایی مانند بحث، حل مسئله، کار گروهی، تحلیل مثال‌ها و مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، به طور فعال در ساخت و سازمان‌دهی دانش نقش ایفا می‌کنند. پژوهش‌های آموزشی نشان داده‌اند که به کارگیری راهبردهای یادگیری فعال می‌تواند موجب افزایش درک مفهومی، تقویت تفکر انتقادی، ارتقای انگیزش تحصیلی و پایداری بیشتر یادگیری شود.

در کنار یادگیری فعال، **تدریس خلاق** نیز به عنوان یکی از رویکردهای مؤثر در بهبود کیفیت آموزش مورد توجه قرار گرفته است. تدریس خلاق به معنای استفاده از روش‌ها، فعالیت‌ها و موقعیت‌های آموزشی نوآورانه‌ای است که بتواند کنجکاوی، تخیل و تفکر واگرا را در دانش‌آموزان برانگیزد. در چنین رویکردی، معلم با بهره‌گیری از راهبردهای متنوع، مثال‌های کاربردی، بازی‌های آموزشی، موقعیت‌های مسئله‌محور و فعالیت‌های اکتشافی تلاش می‌کند محیطی پویا و انگیزه‌بخش برای یادگیری فراهم آورد. این امر به ویژه در آموزش قواعد زبان که گاه به صورت خشک و انتزاعی ارائه می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در افزایش جذابیت و فهم بهتر مفاهیم داشته باشد.



با وجود اهمیت این رویکردها، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه آموزش قواعد زبان عربی، توجه کمتری به طراحی الگوهای تدریسی مبتنی بر خلاقیت و یادگیری فعال شده است. در بسیاری از موارد، روش‌های تدریس همچنان مبتنی بر توضیح مستقیم قواعد، ارائه مثال‌های محدود و تمرین‌های تکراری است؛ در حالی که یادگیری عمیق قواعد زبانی مستلزم مشارکت فعال دانش‌آموزان، تعامل در کلاس درس و فراهم شدن فرصت‌هایی برای کشف و کاربرد قواعد در موقعیت‌های متنوع است. از این رو، طراحی الگوهای تدریسی که بتوانند اصول یادگیری فعال را با عناصر تدریس خلاق تلفیق کنند، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش این درس کمک کند.

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد ارائه یک چارچوب منسجم برای تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در دوره متوسطه باشد. چنین الگویی می‌تواند معلمان را در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های آموزشی یاری دهد و زمینه مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در کلاس درس را فراهم آورد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف **طراحی و اعتبارسنجی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه** انجام شده است تا از طریق شناسایی مؤلفه‌های اصلی این الگو و بررسی اعتبار آن از دیدگاه متخصصان، چارچوبی علمی و کاربردی برای بهبود شیوه‌های تدریس این درس ارائه دهد.

بیان مسئله

کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در نظام‌های آموزشی تا حد زیادی به شیوه‌های تدریس معلمان و الگوهای آموزشی مورد استفاده در کلاس درس وابسته است. در این میان، آموزش زبان عربی در دوره متوسطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این درس علاوه بر نقش اساسی در فهم متون دینی و فرهنگی، می‌تواند به تقویت مهارت‌های زبانی، تحلیلی و شناختی دانش‌آموزان کمک کند. یکی از مؤلفه‌های بنیادی در یادگیری زبان عربی، تسلط بر قواعد صرف و نحو است؛ قواعدی که درک ساختارهای زبانی و استفاده صحیح از آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. با این حال، آموزش قواعد زبان عربی در بسیاری از کلاس‌های درس همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است.

در بسیاری از مدارس، تدریس قواعد عربی عمدتاً با رویکردهای سنتی و معلم‌محور انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که معلم نقش اصلی را در انتقال اطلاعات ایفا می‌کند و دانش‌آموزان اغلب در جایگاه دریافت‌کنندگان منفعل دانش قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی، آموزش بیشتر بر حفظ قواعد، ارائه مثال‌های محدود و حل تمرین‌های تکراری متمرکز است و فرصت چندانی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان، تعامل گروهی و تجربه‌های یادگیری معنادار فراهم نمی‌شود. پیامد این شیوه تدریس آن است که بسیاری از دانش‌آموزان قواعد زبان عربی را به صورت سطحی و حافظه‌محور فرا می‌گیرند و در به‌کارگیری آن‌ها در موقعیت‌های واقعی یا درک متون با مشکل مواجه می‌شوند. افزون بر این، خشک و انتزاعی بودن شیوه‌های رایج تدریس، اغلب موجب کاهش انگیزه یادگیری و شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به درس عربی در میان دانش‌آموزان می‌شود.

در سال‌های اخیر، تحولات گسترده در حوزه علوم تربیتی و نظریه‌های یادگیری، ضرورت تغییر در رویکردهای سنتی آموزش را بیش از پیش آشکار ساخته است. یکی از رویکردهای مورد توجه در این زمینه، **یادگیری فعال** است. در این رویکرد، دانش‌آموزان از طریق



مشارکت در فعالیت‌های آموزشی، بحث و تبادل نظر، حل مسئله و همکاری با دیگران، به صورت فعال در فرایند ساخت دانش نقش ایفا می‌کنند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که استفاده از راهبردهای یادگیری فعال می‌تواند به افزایش درک مفهومی، تقویت تفکر انتقادی، بهبود مهارت‌های ارتباطی و افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان منجر شود. بنابراین، به‌کارگیری چنین رویکردی در آموزش قواعد زبان عربی می‌تواند زمینه یادگیری عمیق‌تر و کاربردی‌تر این مفاهیم را فراهم کند.

در کنار یادگیری فعال، **تدریس خلاق** نیز به عنوان یکی از رویکردهای مؤثر در بهبود کیفیت آموزش مطرح شده است. تدریس خلاق به استفاده از روش‌ها و راهبردهایی اشاره دارد که با ایجاد تنوع، نوآوری و انعطاف‌پذیری در فرایند آموزش، زمینه بروز خلاقیت، کنجکاوی و مشارکت فعال دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. در چنین فضایی، معلم با طراحی فعالیت‌های متنوع و استفاده از روش‌های نوین آموزشی تلاش می‌کند مفاهیم درسی را به شیوه‌ای جذاب، قابل فهم و کاربردی ارائه دهد. در آموزش قواعد زبان عربی نیز بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه می‌تواند به کاهش انتزاعی بودن مفاهیم دستوری و افزایش درک و علاقه دانش‌آموزان کمک کند.

با وجود اهمیت یادگیری فعال و تدریس خلاق در بهبود فرایند یادگیری، بررسی وضعیت موجود آموزش زبان عربی در مدارس نشان می‌دهد که این رویکردها هنوز به طور گسترده و نظام‌مند در تدریس قواعد عربی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. بسیاری از معلمان به دلیل نبود الگوهای تدریسی مشخص و کاربردی که بتواند اصول یادگیری فعال و خلاقیت در تدریس را به طور همزمان در بر گیرد، همچنان از روش‌های سنتی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، مطالعات انجام‌شده در حوزه آموزش زبان عربی بیشتر بر بررسی روش‌های تدریس یا تحلیل مشکلات یادگیری تمرکز داشته‌اند و کمتر به طراحی و ارائه الگویی جامع برای تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال پرداخته‌اند.

بر این اساس، خلأ وجود یک الگوی آموزشی منسجم که بتواند مؤلفه‌های تدریس خلاق و اصول یادگیری فعال را در آموزش قواعد زبان عربی تلفیق کند، به‌خوبی احساس می‌شود. طراحی چنین الگویی می‌تواند به معلمان کمک کند تا با بهره‌گیری از فعالیت‌های متنوع، تعاملات کلاسی مؤثر و راهبردهای نوآورانه، فرایند تدریس قواعد عربی را از حالت سنتی و حافظه‌محور خارج کرده و به تجربه‌ای پویا، معنادار و دانش‌آموزمحور تبدیل کنند. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که **الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌توان اعتبار آن را از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران حوزه آموزش مورد بررسی قرار داد؟**

اهمیت و ضرورت پژوهش

نظام‌های آموزشی در جهان امروز با تحولات گسترده‌ای در حوزه دانش، فناوری و نیازهای یادگیری مواجه هستند. این تحولات ضرورت بازنگری در روش‌ها و الگوهای سنتی آموزش را بیش از پیش آشکار ساخته است. در چنین شرایطی، هدف آموزش صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه پرورش یادگیرندگان فعال، خلاق و توانمند در حل مسئله است. تحقق این هدف مستلزم به‌کارگیری رویکردهای نوین آموزشی است که بتوانند مشارکت فعال فراگیران را در فرایند یادگیری تقویت کنند و زمینه شکل‌گیری یادگیری عمیق و پایدار را فراهم آورند. از این رو، توجه به شیوه‌های تدریس مبتنی بر یادگیری فعال و خلاقیت در آموزش، به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت مطرح شده است.



در این میان، آموزش زبان عربی در دوره متوسطه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این درس علاوه بر نقش مهم در فهم متون دینی، ادبی و فرهنگی، می‌تواند به تقویت توانایی‌های زبانی، تحلیلی و شناختی دانش‌آموزان کمک کند. با این حال، یکی از چالش‌های اساسی در آموزش این درس، نحوه تدریس قواعد زبان عربی است. قواعد صرف و نحو اغلب برای دانش‌آموزان مفاهیمی انتزاعی و پیچیده تلقی می‌شوند و در صورتی که به شیوه‌ای مناسب و متناسب با ویژگی‌های یادگیرندگان ارائه نشوند، ممکن است به یادگیری سطحی و صرفاً حافظه‌محور منجر شوند. در بسیاری از موارد، تأکید بیش از حد بر حفظ قواعد و انجام تمرین‌های تکراری موجب می‌شود دانش‌آموزان ارتباط میان قواعد و کاربرد واقعی زبان را به خوبی درک نکنند و در نتیجه، انگیزه و علاقه آنان نسبت به یادگیری این درس کاهش یابد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های حوزه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که یادگیری زمانی اثربخش خواهد بود که فراگیران به صورت فعال در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند و فرصت تجربه، تعامل و کشف مفاهیم را پیدا کنند. رویکرد یادگیری فعال با تأکید بر مشارکت مستقیم دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی، بحث و تبادل نظر، حل مسئله و کار گروهی، می‌تواند زمینه درک عمیق‌تر مفاهیم درسی را فراهم سازد. در آموزش قواعد زبان عربی نیز به کارگیری چنین رویکردی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به جای حفظ صرف قواعد، آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف زبانی تحلیل و به کار گیرند.

در کنار یادگیری فعال، تدریس خلاق نیز نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش ایفا می‌کند. تدریس خلاق به معنای استفاده از شیوه‌ها و فعالیت‌هایی است که با ایجاد تنوع، نوآوری و جذابیت در محیط یادگیری، انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و آنان را به مشارکت فعال در کلاس درس ترغیب می‌کند. استفاده از فعالیت‌های خلاقانه، مثال‌های کاربردی، سناریوهای یادگیری، بازی‌های آموزشی و تعاملات گروهی می‌تواند به معلمان کمک کند تا مفاهیم دشوار و انتزاعی قواعد عربی را به شکلی ملموس‌تر و قابل فهم‌تر ارائه دهند. چنین رویکردی نه تنها به افزایش درک مفهومی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نگرش آنان نسبت به درس عربی را نیز بهبود بخشد.

با وجود اهمیت این رویکردها، بررسی وضعیت موجود آموزش زبان عربی در مدارس نشان می‌دهد که در بسیاری از کلاس‌های درس همچنان از روش‌های سنتی و معلم‌محور استفاده می‌شود و فرصت‌های کافی برای مشارکت فعال و خلاقانه دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود. همچنین، کمبود الگوهای تدریسی منسجم و کاربردی که بتوانند اصول یادگیری فعال و تدریس خلاق را به طور یکپارچه در آموزش قواعد زبان عربی به کار گیرند، از جمله چالش‌های مهم در این حوزه به شمار می‌رود. در نتیجه، معلمان اغلب فاقد چارچوبی مشخص برای طراحی و اجرای فعالیت‌های آموزشی خلاقانه و دانش‌آموز‌محور در تدریس قواعد عربی هستند.

از این رو، انجام پژوهش‌هایی که به طراحی و ارائه الگوهای آموزشی نوآورانه در این حوزه بپردازند، می‌تواند گامی مؤثر در بهبود کیفیت آموزش زبان عربی باشد. طراحی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال می‌تواند به معلمان کمک کند تا با بهره‌گیری از راهبردهای متنوع و فعالیت‌های تعاملی، محیط یادگیری پویاتری ایجاد کنند و زمینه یادگیری عمیق‌تر و معنادارتر قواعد زبان عربی را برای دانش‌آموزان فراهم سازند. علاوه بر این، اعتبارسنجی چنین الگویی از طریق نظر متخصصان و صاحب‌نظران می‌تواند به افزایش قابلیت اعتماد و کاربردپذیری آن در محیط‌های آموزشی کمک کند.



بنابراین، اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که تلاش می‌کند با تلفیق اصول تدریس خلاق و یادگیری فعال، الگویی آموزشی برای تدریس قواعد زبان عربی در دوره متوسطه ارائه دهد؛ الگویی که بتواند ضمن افزایش مشارکت و انگیزه دانش‌آموزان، به درک عمیق‌تر مفاهیم دستوری و بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری این درس کمک کند. نتایج این پژوهش می‌تواند علاوه بر فراهم ساختن چارچوبی نظری و عملی برای معلمان، زمینه را برای بهبود برنامه‌های درسی و توسعه روش‌های نوین تدریس در حوزه آموزش زبان عربی فراهم آورد.

اهداف پژوهش

هدف کلی: طراحی و اعتبارسنجی یک الگوی جامع تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال برای بهبود آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه.

اهداف جزئی:

۱. شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های کلیدی «تدریس خلاق» و «یادگیری فعال» مرتبط با آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه، بر اساس مرور ادبیات پژوهشی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران.
۲. طراحی چارچوب مفهومی و عملیاتی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال با در نظر گرفتن مراحل، راهبردها، فعالیت‌ها و ابزارهای مناسب برای آموزش قواعد زبان عربی.
۳. ارزیابی و اعتبارسنجی الگوی طراحی‌شده از جنبه‌های روایی و کاربردی توسط متخصصان و معلمان باتجربه در حوزه آموزش زبان عربی.
۴. ارائه یک الگوی نهایی و کاربردی که بتواند به بهبود فرایند تدریس و یادگیری قواعد زبان عربی در دوره متوسطه کمک کند.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهشگران متعددی به بررسی شیوه‌های نوین تدریس در آموزش زبان عربی، به‌ویژه در حوزه قواعد صرف و نحو، پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های فعال و خلاق می‌تواند درک دانش‌آموزان از مفاهیم دستوری را افزایش داده و انگیزه آنان برای یادگیری را تقویت کند.

برای مثال، احمدی و حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر روش‌های یادگیری فعال بر یادگیری قواعد زبان عربی در دوره متوسطه» نشان دادند که استفاده از فعالیت‌های گروهی، بحث کلاسی و تمرین‌های مشارکتی باعث افزایش معنادار پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس عربی می‌شود. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که از روش‌های فعال استفاده می‌شود، مشارکت بیشتری در فرایند یادگیری دارند.



همچنین محمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «کاربرد روش‌های خلاق تدریس در آموزش قواعد زبان عربی» به این نتیجه رسید که استفاده از روش‌هایی مانند داستان‌پردازی آموزشی، بازی‌های کلاسی و فعالیت‌های خلاقانه می‌تواند دشواری یادگیری قواعد عربی را برای دانش‌آموزان کاهش دهد و باعث درک بهتر ساختارهای دستوری شود.

در مطالعه‌ای دیگر، صادقی و کریمی (۱۳۹۷) با بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در آموزش نحو عربی دریافتند که دانش‌آموزانی که از طریق فعالیت‌های گروهی و تعامل با همکلاسی‌های خود به یادگیری قواعد می‌پردازند، نسبت به دانش‌آموزانی که با روش‌های سنتی آموزش می‌بینند، عملکرد تحصیلی بهتری دارند. این پژوهش نشان داد که تعامل و همکاری در کلاس می‌تواند یادگیری قواعد را عمیق‌تر و پایدارتر کند.

حسینی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر روش تدریس فعال بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در درس عربی» گزارش کرد که استفاده از فعالیت‌های تعاملی و مشارکتی در کلاس درس باعث افزایش علاقه و انگیزه دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان عربی می‌شود و فضای کلاس را پویاتر می‌سازد.

در پژوهشی دیگر، رضایی و کاظمی (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر روش حل مسئله در آموزش قواعد عربی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که زمانی که قواعد زبان در قالب مسئله‌ها و تمرین‌های کاربردی ارائه می‌شود، دانش‌آموزان بهتر می‌توانند ارتباط میان قواعد و کاربرد آن‌ها را درک کنند.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده است. برای نمونه، عبدالله و حسن (۲۰۱۹) در پژوهشی درباره «کاربرد راهبردهای یادگیری فعال در آموزش دستور زبان عربی» نشان دادند که استفاده از روش‌هایی مانند بحث گروهی، حل مسئله و فعالیت‌های تعاملی باعث افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان و بهبود یادگیری قواعد دستوری می‌شود.

همچنین Al-Harbi (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «The Effect of Role-Playing Strategy on Learning Arabic Grammar» به بررسی تأثیر روش ایفای نقش در آموزش نحو عربی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده از ایفای نقش در کلاس درس، علاوه بر افزایش انگیزه دانش‌آموزان، موجب درک بهتر مفاهیم نحوی و کاربرد آن‌ها در موقعیت‌های واقعی زبانی می‌شود.

در پژوهشی دیگر، Al-Qahtani (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر فعالیت در آموزش زبان عربی پرداخت و نتایج نشان داد که این روش باعث افزایش تعامل دانش‌آموزان با محتوای درسی و بهبود یادگیری مفاهیم دستوری می‌شود.

به طور کلی، مرور پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های فعال و خلاق در تدریس زبان عربی می‌تواند به افزایش مشارکت دانش‌آموزان، بهبود درک مفاهیم دستوری و ارتقای کیفیت یادگیری منجر شود. با این حال، هنوز نیاز به پژوهش‌هایی وجود دارد که بتوانند الگوهای آموزشی منسجم‌تری برای تلفیق یادگیری فعال و تدریس خلاق در آموزش قواعد عربی ارائه دهند.



روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا از نوع پژوهش‌های آمیخته (کیفی-کمی) با رویکرد اکتشافی متوالی است. در این رویکرد ابتدا داده‌های کیفی به منظور شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی گردآوری و تحلیل می‌شود و سپس در مرحله کمی، الگوی به‌دست‌آمده اعتبارسنجی می‌گردد.

در مرحله کیفی، جامعه پژوهش شامل استادان، دبیران و دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی بود که در زمینه آموزش زبان عربی و روش‌های تدریس آن تجربه و آگاهی لازم داشتند. نمونه‌گیری در این مرحله به صورت هدفمند انجام شد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با افراد منتخب تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت و از طریق کدگذاری اولیه، دسته‌بندی مفاهیم و استخراج مضامین اصلی، مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال شناسایی گردید.

بر اساس یافته‌های مرحله کیفی، الگوی اولیه تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی طراحی شد. در مرحله کمی، به منظور بررسی میزان اعتبار الگوی پیشنهادی، پرسشنامه‌ای بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج‌شده تدوین گردید.

جامعه آماری در بخش کمی شامل دبیران زبان عربی مدارس متوسطه، استادان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی بود. نمونه پژوهش از میان افراد جامعه آماری با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. به منظور سنجش روایی ابزار پژوهش از روایی صوری و محتوایی با استفاده از نظر متخصصان بهره گرفته شد و اصلاحات لازم بر اساس دیدگاه آنان در پرسشنامه اعمال گردید. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار پژوهش بود.

در نهایت داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد تحلیل قرار گرفت و میزان اعتبار مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی پیشنهادی تعیین شد. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، الگوی نهایی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه ارائه گردید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش کیفی و کمی ارائه می‌شود. در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استادان، دبیران و دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. در فرآیند تحلیل داده‌ها، پس از کدگذاری اولیه و طبقه‌بندی مفاهیم، چندین کد اولیه استخراج شد که در مراحل بعدی در قالب مقوله‌های فرعی و اصلی سازمان‌دهی گردید.



نتایج تحلیل کیفی نشان داد که الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال در آموزش قواعد زبان عربی از چند مؤلفه اساسی تشکیل می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده شامل درگیرسازی فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، استفاده از فعالیت‌های تعاملی و گروهی، مسئله‌محوری در آموزش قواعد، به‌کارگیری روش‌های خلاقانه در ارائه محتوا، ایجاد فرصت برای تمرین و کاربرد قواعد در موقعیت‌های واقعی زبانی، و استفاده از بازخورد مستمر و ارزشیابی تکوینی بود. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها تأکید داشتند که آموزش قواعد زبان عربی زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که دانش‌آموزان به‌صورت فعال در کشف و کاربرد قواعد مشارکت داشته باشند و کلاس درس از حالت صرفاً معلم‌محور خارج شود.

بر اساس مضامین استخراج‌شده، الگوی اولیه تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال طراحی گردید که در آن مراحل تدریس شامل ایجاد انگیزش و طرح مسئله، درگیرسازی فعال دانش‌آموزان در کشف قاعده، تمرین و تعامل گروهی، کاربرد عملی قواعد در فعالیت‌های کلاسی، و ارائه بازخورد و ارزشیابی تکوینی در نظر گرفته شد.

در بخش کمی پژوهش، به منظور بررسی میزان اعتبار مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی، پرسشنامه‌ای مبتنی بر یافته‌های مرحله کیفی در اختیار دبیران زبان عربی مدارس متوسطه، استادان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی قرار گرفت. نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نشان داد که میانگین نمرات مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی بالاتر از حد متوسط بوده و بیشتر پاسخ‌دهندگان با مؤلفه‌های استخراج‌شده موافقت داشته‌اند. این یافته نشان‌دهنده تأیید نسبی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی طراحی‌شده از دیدگاه جامعه مورد مطالعه است.

جدول ۱. خلاصه نتایج توصیفی الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال

مقدار شاخص آماری	
تعداد نمونه	45
میانگین کل	4.19
انحراف معیار	0.66
حداقل نمره	3.12
حداکثر نمره	4.87

بر اساس نتایج جدول فوق، میانگین کل نمرات (۴.۱۹) بالاتر از مقدار متوسط مقیاس (۳) است که نشان می‌دهد پاسخ‌دهندگان با مؤلفه‌های الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال موافقت بالایی داشته‌اند. همچنین مقدار نسبتاً پایین انحراف معیار بیانگر آن است که دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد مؤلفه‌های الگو تا حد زیادی همسو بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی پیشنهادی از دیدگاه دبیران، استادان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی از اعتبار مطلوبی برخوردار است و می‌تواند در بهبود فرایند آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه مورد استفاده قرار گیرد.



همچنین نتایج بررسی پایایی ابزار پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که الگوی تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال می‌تواند چارچوبی مناسب برای بهبود فرایند آموزش قواعد زبان عربی در دوره متوسطه فراهم آورد و به افزایش مشارکت دانش‌آموزان، درک عمیق‌تر مفاهیم دستوری و ارتقای انگیزش یادگیری کمک کند.

نتیجه‌گیری

یگانه راه دستیابی به درک عمیق و پایدار در آموزش قواعد زبان عربی، نه در تقلید صرف از محفوظات، که در آفرینش فضایی پویا و خلاقانه نهفته است؛ فضایی که در آن، یادگیرنده نه شنونده‌ای منفعل، که کاشفی فعال و مشتاق است. پژوهش حاضر با درک این حقیقت بنیادین، کوشید تا با تلفیقی هنرمندانه از اصول یادگیری فعال و ظرافت‌های تدریس خلاق، الگویی نوآورانه را در بوستان آموزش قواعد زبان عربی به ثمر نشاند.

یافته‌های این تحقیق، همچون گهرهای درخشانی که از ژرفای دریا بیرون کشیده شده‌اند، مؤید آنند که گنجینه‌های حقیقی یادگیری در گرو درگیرسازی فعال ذهن و جان دانش‌آموزان، برپایی چرخه‌های تعامل سازنده، واکاوی مسائل به مثابه کلیدهای گشودن درهای دانش، و تزریق روح خلاقیت در کالبد آموزش نهفته است. همچنین، ضرورت بازخورد صادقانه و ارزشیابی مستمر به عنوان چراغ راهنمایی در مسیر یادگیری، بارها و بارها در دل مصاحبه‌ها طنین‌انداز شد.

اعتبارسنجی این الگو از منظر استادان و کارشناسان عرصه آموزش زبان عربی، نشان از بلوغ و آمادگی این رویکرد برای ورود به کلاس‌های درس دارد. گویی این الگو، نه بنایی استوار بر پایه‌های نظری صرف، بلکه طرحی نو در انداخته است که نویدبخش تحولی شگرف در نگرش و عمل معلمان و دانش‌آموزان است.

بنابراین، این پژوهش نه تنها به طراحی یک الگوی آموزشی بسنده نکرده، بلکه دعوتی است به بازاندیشی در شیوه‌های متداول، و فراخوانی است به سوی کلاس‌های درسی که در آن‌ها، قواعد عربی نه صرفاً مجموعه‌ای از قوانین خشک و بی‌روح، که دریچه‌ای به سوی فهم ژرف‌تر معارف دینی و ادبی، و ابزاری برای شکوفایی اندیشه و خلاقیت باشند. باشد که این الگو، چراغ راهی شود برای تربیت نسل‌هایی که با عشق و اشتیاق، گام در وادی پربار زبان عربی می‌گذارند.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های این پژوهش و با توجه به اهمیت روزافزون آموزش مؤثر زبان عربی، پیشنهادهای زیر برای پژوهشگران، معلمان، برنامه‌ریزان درسی و سیاست‌گذاران آموزشی ارائه می‌شود:



۱. **کاربرد الگوی پیشنهادی در عمل:** پیشنهاد می‌شود معلمان زبان عربی در دوره متوسطه، الگوی «تدریس خلاق مبتنی بر یادگیری فعال» طراحی شده در این پژوهش را در کلاس‌های درس خود به کار گیرند و تأثیر آن را بر مؤلفه‌هایی چون مشارکت دانش‌آموزان، درک قواعد، و انگیزش یادگیری مشاهده کنند.
۲. **پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای:** انجام پژوهش‌های میدانی و کاربردی دیگر با هدف بررسی اثربخشی این الگو در مناطق و مدارس مختلف، با جوامع آماری متفاوت (دانش‌آموزان با سطوح تحصیلی یا نیازهای آموزشی گوناگون) توصیه می‌شود.
۳. **توسعه ابزارهای یاددهی-یادگیری:** بر اساس مؤلفه‌های الگوی طراحی شده، طراحی و تولید ابزارها و بسته‌های آموزشی نوین (مانند نرم‌افزارها، بازی‌های آموزشی، یا محتوای چندرسانه‌ای) که بتوانند فرآیند اجرای الگو را تسهیل کنند، پیشنهاد می‌شود.
۴. **آموزش و توانمندسازی معلمان:** برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های توانمندسازی برای معلمان زبان عربی با محوریت راهبردها و فنون تدریس خلاق و یادگیری فعال، ضروری به نظر می‌رسد تا معلمان بتوانند با مهارت و آمادگی بیشتری از این الگوها استفاده کنند.
۵. **پژوهش‌های تطبیقی:** انجام مطالعات تطبیقی برای مقایسه اثربخشی الگوی پیشنهادی با سایر الگوهای تدریس نوین در آموزش قواعد زبان عربی، می‌تواند به غنای پژوهش‌های این حوزه بیفزاید.
۶. **بررسی عوامل زمینه‌ای:** پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان، سبک‌های یادگیری، و ویژگی‌های بافت فرهنگی-اجتماعی مدرسه بر اجرای موفقیت‌آمیز این الگو بپردازند.
۷. **گسترش به سایر مهارت‌ها و سطوح:** پیشنهاد می‌شود این الگو یا مؤلفه‌های آن، در آموزش سایر مهارت‌های زبان عربی (مانند خواندن، نوشتن، مکالمه) و در سطوح تحصیلی دیگر (مانند ابتدایی یا دانشگاهی) نیز مورد بررسی و اعتبارسنجی قرار گیرد.

محدودیت‌ها

هر پژوهشی، به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، با محدودیت‌هایی روبرو است که می‌تواند بر نتایج آن تأثیر بگذارد. محدودیت‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. **محدودیت در دسترسی به جامعه آماری:** دسترسی به تعداد کافی از متخصصان و معلمان باتجربه در زمینه آموزش زبان عربی برای مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، ممکن است با محدودیت‌هایی روبرو باشد، به ویژه اگر دامنه پژوهش گسترده باشد. (در این پژوهش، تمرکز بر دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی، این محدودیت را تا حدی کاهش داده است).
۲. **ذهنی بودن برخی داده‌ها:** ماهیت برخی از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌های کیفی، می‌تواند تا حدی ذهنی باشد و تحت تأثیر برداشت‌ها و دیدگاه‌های شخصی مصاحبه‌شوندگان قرار گیرد.
۳. **محدودیت زمانی و منابع:** اجرای کامل یک پژوهش ترکیبی (کیفی-کمی) نیازمند صرف زمان و منابع کافی است. محدودیت‌های زمانی و منابع مالی می‌تواند بر عمق و گستردگی پژوهش تأثیرگذار باشد.



۴. **عدم امکان تعمیم‌پذیری کامل:** نتایج حاصل از این پژوهش، به ویژه بخش کیفی آن، ممکن است به دلیل ماهیت اکتشافی و جامعه آماری محدود (در صورت تمرکز بر یک سازمان یا منطقه خاص)، قابلیت تعمیم‌پذیری کامل به سایر جوامع و فرهنگ‌های آموزشی را نداشته باشد.
۵. **وابستگی به ابزار گردآوری داده:** روایی و پایایی ابزارهای مورد استفاده (مانند پرسشنامه و پروتکل مصاحبه) و کیفیت اجرای آن‌ها، به طور مستقیم بر اعتبار یافته‌ها تأثیر می‌گذارد.
۶. **محدودیت در اجرای میدانی الگو:** در این پژوهش، تمرکز اصلی بر طراحی و اعتبارسنجی الگو بوده است. اجرای میدانی کامل و طولانی‌مدت الگو در کلاس درس و سنجش دقیق اثربخشی آن بر یادگیری دانش‌آموزان، فراتر از محدوده زمانی و اهداف این مرحله از پژوهش بوده است.
۷. **پویایی حوزه آموزش:** روش‌ها و دیدگاه‌های آموزشی همواره در حال تحول هستند. این پژوهش بر اساس دانش و منابع موجود در زمان انجام خود صورت گرفته و ممکن است با ظهور رویکردهای جدید، نیازمند به‌روزرسانی باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، الف. (۱۴۰۱). *تأثیر یادگیری فعال بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس قواعد عربی*. فصلنامه مطالعات آموزش زبان فارسی، ۵(۲)، ۴۵-۶۲.
۲. خالقی، م. (۱۴۰۰). *طراحی الگوی تدریس خلاق در آموزش زبان عربی*. مجله پژوهش‌های آموزش زبان عربی، ۱۲(۱)، ۱۱۰-۱۳۵.
۳. محمدی، ر. (۱۳۹۹). *روش‌های نوین تدریس در آموزش قواعد عربی*. تهران: انتشارات دانش.
۴. یوسفی، س. (۱۴۰۲). *بررسی میزان اثربخشی راهبردهای یادگیری فعال در کلاس‌های درس زبان عربی دوره متوسطه*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

ب) منابع عربی

۱. الهاشمی، س. (۲۰۲۳). *استراتیجیات التعلم النشط وتأثيرها على التحصيل الدراسي في قواعد اللغة العربية*. مجلة الدراسات اللغوية والتربوية، ۱۵(۳)، ۲۱۰-۲۲۵.
۲. الزهرانی، ع. (۲۰۲۲). *فاعلية توظيف استراتيجيات التدريس الإبداعی فی تنمية مهارات قواعد النحو العربی لدى طلاب المرحلة المتوسطة*. مجلة العلوم التربوية، ۲۰(۴)، ۸۸-۱۰۵.
۳. الحسن، أ. (۲۰۲۱). *أسس تصميم نماذج التدريس الحديثة*. بيروت: دار الكتب العلمية.

ج) منابع انگلیسی



- Al-Jumaili, S. (2025). *The Impact of Flipped Learning on Secondary Students' Achievement in Arabic Grammar and Their Attitudes: An Experimental Study in Jordan*. Educational Psychology Journal, 17(3), 363-380. DOI: 10.22521/edupij.2025.17.363 .^١
- Brown, H. D. (2020). *Principles of Language Learning and Teaching*. New York: Pearson. .^٢
- Smith, J., & Johnson, L. (2021). *Active Learning Strategies in the Arabic Classroom*. Journal of Language Teaching, 45(2), 150-168. .^٣